

مسئولیت مدنی ناشی از تخلفات پزشکان و مراکز درمانی

در حوزه درمان با تأکید بر خسارت معنوی

(تاریخ دریافت ۱۴۰۳/۰۷/۱۵، تاریخ تصویب ۱۴۰۳/۰۸/۰۳)

داود سلیمانی تپه سری^۱

کارشناس ارشد حقوق خصوصی مؤسسه آموزش عالی غیرانتفاعی فروردین قائمشهر

دکتر حسین فروغی نیا^۲

استاد یار و عضو هیأت علمی مؤسسه آموزش عالی غیرانتفاعی فروردین قائمشهر

دکتر رشید عنایت تبار^۳

استاد یار و عضو هیأت علمی مؤسسه آموزش عالی غیرانتفاعی فروردین قائمشهر

چکیده

مهم ترین هدف مسئولیت مدنی، جبران کامل خسارت زیان دیده است و در حد امکان باید تلاش کرد تا زیان دیده به شرایط قبل از زیان بازگردد و با اینکه هدف آن است که زیان دیده در شرایطی قرار گیرد که گویی فعل زیانبار صورت نگرفته است. ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری جبران خسارت زیان دیده را مورد توجه قرار داد و این حق را برای زیان دیده در نظر گرفت تا کلیه خسارات مادی و معنوی ناشی از جرم را از عامل زیان مطالبه کند. موضوع مسئولیت مدنی پزشکان و مراکز درمانی مورد توجه قانونگذار هست و به همین دلیل مقرراتی برای تنظیم و ساماندهی و نظارت بر فعالیت آن ها تدوین کرد. در نظام حقوقی ما اگر در اثر کوتاهی و یا قصور پزشک و کادر درمان صدمه ی غیر عمدی بدنی یا قتل غیر عمدی ایجاد شود؛ مصدوم یا اولیای دم متوفی مستحق دیه می شوند که پرداخت دیه نوعی مجازات برای واردکننده ی زیان بوده و نوعی جرم قلمداد می گردد که در دادسرا بر اساس مقررات آیین دادرسی کیفری رسیدگی و اتخاذ تصمیم می گردد و این مسئولیت مورد بررسی نوعی مسئولیت جزایی ناشی از قانون است.

واژگان کلیدی: مسئولیت مدنی، مراکز درمانی، قصور، خسارت معنوی

^۱ نویسنده مسئول

^۱ r.soleymani6120@gmail.com

^۲ h.foroughiniya57@yahoo.com

^۳ r.enayattabar@yahoo.com



مقدمه

مسئولیت مدنی عبارت است از تعهد و الزامی که شخص به جبران زیان وارد شده به دیگری دارد اعم از اینکه این زیان در اثر عمل شخص مسئول یا عمل اشخاص وابسته به او یا ناشی از اصول تحت تصرف یا مالکیت او باشد. در مواردی که شخص موظف به جبران خسارت دیگری باشد، در برابر او مسئولیت مدنی دارد یا ضامن است. وقتی در نتیجه اعمال پزشک زبانی به اشخاص حقیقی وارد شود، مسئولیت مدنی مطرح می شود که این مسئولیت با جبران ضرر و زیان وارد شده قابل جبران است. پزشک یا کادر درمان وقتی بخاطر قصور پزشکی محکوم شوند، با توجه به اینکه از قبل خود را در مقابل مسئولیت مدنی بیمه نموده اند، از طریق شرکت های بیمه نسبت به جبران خسارت اقدام می نمایند. از شروع تشکیل تمدن های بشری و مطرح شدن پزشکان به عنوان یکی از طبقات، قانون گذاران مقرراتی برای تنظیم و نظارت و سازماندهی بر فعالیت پزشکان تدوین کرده اند. مسئولیت پزشکان و کادر درمانی در قبال بیماران می تواند اخلاقی یا حقوقی باشد که مسئولیت حقوقی خود جنبه ی مدنی و کیفری خواهد داشت. این افراد در ارتباط با انجام وظایف خود ممکن است ضرر های جانی یا مالی به بیمار وارد سازند که در نهایت موجب مسئولیت آنها شود. مسئولیت کادر درمانی و پزشک به دو گروه قابل تقسیم هستند.

گروه اول، مسئولیت جزایی که جنبه کیفری دارد را در بر می گیرد. گروه دوم، مسئولیت مدنی در ارتباط با مسئولیت کادر درمانی و پزشک، قصور در انجام وظایف محوله است که ممکن است باعث ایراد صدمه غیر عمدی بدنی یا قتل غیر عمدی گردد. در مسئولیت های جزایی یا کیفری ضرر و زیان ناشی از اعمال پزشکی متوجه شخص نیست بلکه جامعه در قبال اینگونه اعمال متضرر خواهد شد. مثلاً صدور گواهی خلاف واقع یا اینکه پزشکی اقدام به عمل سقط جنین کند و زائو نیز فوت کند در این حالت پزشک هم از نظر جزایی مسئول است و هم در مقابل اولیای دم و بستگان متوفی مسئولیت مدنی دارد. در نظام حقوقی ایران اگر صدمه غیر عمدی بدنی یا قتل غیر عمدی واقع گردد، مصدوم یا اولیای دم متوفی مستحق دیه می باشند یعنی دیه به عنوان خسارت به آنها پرداخت خواهد شد. بر اساس ماده



۱۴ قانون مجازات اسلامی دیه نوعی مجازات قلمداد می‌شود لذا کادر درمانی که به علت قصور، باعث ورود صدمه بدنی یا قتل غیر عمدی شوند مجرم تلقی می‌گردند و در دادسرا بر اساس مقررات قانون آیین دادرسی کیفری به جرم آنها رسیدگی و اتخاذ تصمیم می‌گردد. این نوع مسئولیت مورد بررسی، مسئولیت جزایی بوده که نوعی مسئولیت ناشی از قانون است و وجود قرارداد در آن تأثیری ندارد و هر شخص مسئول اعمال خود خواهد بود. (بخشا، معصومی، یارم طاقلو، ۱۳۹۵: ۱)

۱- مفاهیم و تعاریف

مفهوم مسئولیت: به معنای ضمانت و تعهد است. آنچه انسان عهده دار و مسئول آن باشد. مسئولیت یعنی؛ در عهده یا ضمان، پایبندی و به گردن کسی قرار داشتند بنابراین هرگاه انسان متعهد به انجام کاری می‌شود. در حقیقت مسئولیت انجام آن کار را پذیرفته است. (دهخدا، ۱۳۷۳، ۱۸۴۶۵)

مسئولیت مدنی: به مجموع قواعدی که وارد کننده ی زیان را ملزم به جبران خسارت زیان دیده می‌کند، بیان می‌شود. یا به عبارتی، هر تعهد و الزامی که در مقابل تحمیل ضرر مدنی وارد بر غیر بر فرد مسبب یا متعهد پدید آید و بر او لازم است که عین یا معادل آن را جبران کند.

مسئولیت کیفری: به معنی الزام به پاسخگویی در برابر اعمالی که نظم و مصالح جامعه را بر هم می‌زند. نظام حقوقی برای حفاظت از حقوق و دارایی و ارزش های دفاعی و اجتماعی در مقابل تجاوز به افراد و برای ایجاد نظم عمومی، متجاوز و مرتکب را به کیفر و پرداخت غرامت محکوم می‌کند. مسئولیت کیفری در مواردی که قانون مقرر داشته، پیدا می‌شود؛ هیچ عملی را نمی‌توان جرم شناخت مگر این که در قانون مجازات جرم شناخته شده باشد.

مسئولیت قراردادی: به مفهوم تخلف از اجرای تعهدی که از مفاد قرارداد ناشی شده است، به وجود می‌آید. کسی که به عهد خود وفا نمی‌کند و بدین وسیله باعث اضرار هم پیمانش می‌شود؛ باید از عهده



ی خسارتی که به بار آورده است برآید. بین خواهان و خوانده باید رابطه‌ی قراردادی وجود داشته باشد و تنها در این صورت است که مسئولیت جنبه‌ی قراردادی می‌یابد. (کاتوزیان، ۱۴۰۱: ۶۰)

مسئولیت قهری: مسئولیت مدنی قهری به نقض تعهدات قانون یا عرفی شخص در عرصه اجتماع اختصاص دارد، و مسئولیت جبران ضرر ناشی از فعل یا ترک فعل است که از نظر قانون و عرف خطا محسوب می‌شود، تکالیفی که در قانون برای همگان مقرر داشته، مانند: بی‌مبالاتی و بی‌احتیاطی، تهمت زدن و یا آدم کشی باعث تخلفی می‌شود که به دیگران خسارتی وارد شود که باید آن را جبران کند. (کاتوزیان، ۱۴۰۱، ۶۱)

اهمیت مسئولیت مدنی از این جهت است که به عنوان یکی از مهمترین بخش‌های حقوقی مدنی و یکی از آشنا ترین ابعاد حقوقی برای اشخاص نیز هست چون که بسیاری از افراد در زندگی روزمره با آن مواجهه هستند و همواره توجه دارند تا مرتکب خطا در مقابل دیگری نشوند تا موجب مسئولیت در قبال اشخاص ثالث- اعم از حقیقی یا حقوقی نگردند.

۲-نگرش‌های مسئولیت مبتنی بر تقصیر

طبق این نظریه‌ها، زمانی مسئولیت مدنی مطرح می‌گردد که بتوان «تقصیر» اشخاص را اثبات کرد. به عبارت دیگر، تنها دلیلی که می‌توان مسئولیت کسی را نسبت به جبران خسارتی توجیه کند، وجود رابطه‌ی علیت بین تقصیر و ضرر است. این نظریه‌ها بر این اصل استوار است که در هر دعوای مسئولیت، خواهان (فرد زیان دیده) باید ثابت نماید که خوانده (عامل ورود زیان)، با ارتکاب خطا زبانی را به او وارد نموده است، به همین جهت، غالباً تقصیر (خطا) را به عنوان یک عنصر روانی و دارای مفهوم اخلاقی به شمار می‌آورند که اثبات آن به عنوان شرط احراز مسئولیت لازم است. در این فرض، خطا (تقصیر) عامل ورود زیان، بدیهی ترین مبنای مسئولیت به نظر می‌رسد که این خطا شامل رفتارهای ناپسند و غیر اخلاقی می‌شود. البته، به مرور تقصیر مفهوم اخلاقی خود را از دست می‌دهد و مفهوم اجتماعی و نوعی برای آن به وجود می‌آید و چنانچه یک اقدام زیانبار، مغایر رفتار یک انسان



متعارف و محتاط در شرایط حادث باشد «تقصیر» تحقق یافته است. آنچه در زمینه‌ی مسئولیت مبتنی بر تقصیر تا حدی ایجاد مشکل می‌کند، تفکیک خطاها و قصور شخصی افراد درمانی از اعمال و تصمیمات اشتباه سازمان‌های درمانی است. چرا که عدالت ایجاب می‌کند که جبران زیان‌های ناشی از تقصیرها و خطاهای شخصی کارکنان مراکز درمانی و بیمارستان‌ها نبایستی بر عهده این نهادها قرار گیرد. (امینی، شکوهمان، ۱۳۹۵: ۵۷) قانون مدنی ایران در ماده‌ی ۹۵۳ خود، تقصیر را شامل تعدی و تفریط می‌داند. به این معنا که ترک عملی که به موجب قرارداد یا متعارف برای حفظ مال غیر لازم است؛ تفریط نامیده است و تعدی عبارت است از تجاوز نمودن از حدود اذن یا متعارف نسبت به مال یا حق دیگری. تعریف قانونی مذکور، تقصیر در برگیرنده تخلف از تعهد و التزام قانونی یا قراردادی و یا تجاوز یک شخص به حقوق شخصی دیگر برخلاف متعارف است که می‌توان گفت: تقصیر عبارت است از عمل خلاف حق که یک شخص نسبت به شخص دیگری انجام دهد. بنابراین هرگاه شخصی در اعمال و رفتار خود احتیاط معمول و مرسوم در جامعه را رعایت نکند یا از مقررات، تخلف و موجب زیان به دیگری گردد مقصر و مسئول معرفی می‌شود و ملزم می‌شود که از عهده‌ی جبران زیان وارد شده برآید. بر اساس نظریه خطر، هرکسی به فعالیتی پردازد، محیط خطرناکی برای دیگران ایجاد کند و فردی که از این محیط منتفع می‌گردد باید به جبران زیان ناشی از آن پردازد.

۳- ماهیت و ارکان مسئولیت مدنی پزشک و مراکز درمانی

موضوع مسئولیت پزشک و مراکز درمانی و برخورد با خطاهای پزشکی قدمتی طولانی دارد در تمدن‌های یونان، رم، مصر و ایران باستان رویکرد مختلفی نسبت به خطاهای پزشکی وجود داشته است. فقهای شیعه پزشک خطاکار را در مقابل عوارض به وجود آمده برای بیمار، مسئول می‌دانند؛ اما در مورد پزشک حاذقی که بدون تقصیر یا کوتاهی وی بیمارش دچار عارضه‌ای گردیده دو دیدگاه مطرح می‌شود؛ دیدگاه مشهور که اکثر فقها به آن نظر دارند، حکم بر مسئولیت پزشک می‌دهند و برای آن ادله‌هایی هم ذکر می‌کنند. اما دیدگاه دیگر و غیر مشهور چنین پزشکی را مسئول نمی‌داند. در ایران از دیدگاه اول یا مشهور پیروی شده است زیرا؛ این دیدگاه برای سلب مسئولیت از



پزشک و کارکنان و مراکز درمانی، اخذ براءت از بیمار را پیش از اقدام آنان پیشنهاد می کنند. البته در مواردی که نیاز به فوریت های پزشکی برای نجات جان بیمار و شرایط خطر مرگ وجود داشته باشد، برای اخذ رضایت و براءت، استثنائاتی وجود دارد. ضمن اینکه چنانچه پزشک به هنگام معالجه ی بیمار مرتکب تقصیر شود، تحصیل براءت پیش از شروع به درمان، مسئولیت را از وی سلب نخواهد کرد. به طور کلی مسئولیت عبارت است از وضعیت و شرایطی که شخص را طبق قانون در مقابل فعل یا ترک فعل، پاسخگو قرار می دهد. این پاسخگویی ممکن است حاصل فعل یا ترک فعل ناشی از نقض قوانین موضوعه کیفری یا تخلف از قرارداد (اعم از مکتوب یا غیر مکتوب) و یا کوتاهی از موازین و مقررات حرفه ای و صنفی باشد. کادر درمانی ممکن است به لحاظ رفتار معینی و یا تخطی از موازین و مقررات حرفه ای و صنفی باشد. یکی از انواع مسئولیت ها (کیفری - مدنی - انتظامی) است به عنوان مثال ؛ پزشکی که در صدور جواز دفن رعایت دستورالعمل ها و ترتیبات را نمی کند بدون تردید از جهت تخلف از آن نظامات تنها از نظر انتظامی مسئول است اما، پزشکی جراح به مصوبه ی ۵۵/۱۰/۶ هیأت مدیره نظام پزشکی به جراحی مهمی نظیر عمل جراحی که مستلزم بیهوشی یا عمومی باشد در مطب خود مبادرت می کند ؛ در صورت ایجاد هرگونه ضایعه ای می تواند موجب تعقیب کیفری تحت عنوان ایراد صدمه غیر عمدی در اثر بی مبالائی و مسئولیت مدنی از حیث ایجاد ضرر و زیان مادی (دارو و درمان....) علاوه بر دیه و مسئولیت انتظامی از جهت تخلف و زیر پا گذاشتن نظامات مربوط به ممنوعیت این نوع اعمال در مطب قرار گیرد. (بخشا، معصومی، یارم طاقلو، ۱۳۹۵: ۳)

۳-۱ معیار سنجش خطای پزشکی

حقوقدان ها بین خطای شغلی و خطای عادی تفکیک قائل هستند. تخلف از موازین و الزامات را خطای حرفه ای می نامند و تخلف از اصول و قواعد عمومی را نیز خطای عادی می گویند بدون اینکه ربطی به حرفه ی خطا کار داشته است. (محتسب بالله، ۱۴۰۴: ۱۲۱) و با عرف عام سنجیده می شود. عموم مردم معیار سنجش خطا (خواه این خطا ناشی از عقد باشد یا ناشی از تقصیر)، یک شخص



متعارف از عموم مردم است و خروج از رفتار خطا محسوب می‌شود. عمل یا انجام اقدامی توسط پزشک به صورت خطا با رفتار یک پزشک متعارف سنجیده می‌شود.

۲-۳ خطاهایی که توسط پزشک یا کادر درمان ایجاد می‌شود

الف) مرحله تشخیص: با توجه به آزمایشات انجام شده توسط پزشک امکان تشخیص بیماری به طور صحیح ایجاد شود و سپس داروی متناسب با آن برای بیمار تجویز شود. گاهی ممکن است که پزشک در تشخیص دچار اشتباه گردد که موجب تشدید بیماری نیز شود مانند؛ بیماری های قارچی و پوستی «اگزما» شبیه هم هستند در صورتی که پزشک مجرب نباشد، ممکن است تشخیص نادرست و تجویز داروی اشتباه باعث تشدید بیماری گردد.

ب) خطا در معالجه ی بیمار: در معالجه ی بیمار توسط پزشک و یا کادر درمانی، اصول مسلم پزشکی باید رعایت شود. اگر پزشک در انتخاب معالجه و روش درمان از نظریه اساتید فن طب تبعیت کرده باشد و به موفقیتی نایل نگردد، عدم توفیق او خطا محسوب نمی‌گردد بلکه نقص در علوم پزشکی است که به حد کمال نرسیده است. ولی انجام مطالعه یا عمل جراحی که بین سایر پزشکان متروک و بی اعتبار شده است از جمله خطایی است که منجر به مسئولیت پزشک می‌گردد.

ج) خطا در عمل جراحی: پزشک درحین عمل جراحی باید از تمامی اطلاعات ضروری متعلق به بیماری آگاهی داشته باشد. آمادگی برای عمل جراحی نیاز به کمک گرفتن از پزشک بیهوشی دارد و شرط کامل بودن کار متخصص بیهوشی در پایان عمل جراحی خارج شدن بیمار از حالت بیهوشی است. در مرحله بعد انجام عمل جراحی مطابق با اصول علمی است. به عنوان مثال؛ اگر جراح تبحر نداشته باشد در عمل جراحی تیروئید ممکن است باعث پارگی حنجره شود و بیمار قدرت سخن گفتن را از دست بدهد. در مرحله ای دیگر که نظارت و مراقبت است پزشک باید مطمئن شود که حال بیمار مساعد است و عفونتی وی را تهدید نمی‌کند و اجازه ی ترخیص دهد و اگر نیاز به کنترل درمان



باشد، از حال وی باخبر بوده و به او سرکشی کند تا مصادیق ترک درمان نشود که موجب مسئولیت است. (آل شیخ مبارک، ۱۳۸۹: ۶۶ و ۶۹)

۴- مبنای مسئولیت کادر درمانی و پزشک

ماده ۳۱۹ قانون مجازات اسلامی مقرر می دارد « هرگاه طبیبی، گرچه حاذق و متخصص باشد، در معالجاتی که انجام می دهد، هرچند با اذن بیمار یا ولی او نیز باشد، باعث از بین رفتن جان، نقص عضو یا جسمی و خسارت مالی شود ضامن است.» پزشک چه در علم و عمل قاصر باشد یا حاذق، در هر دو حال ضامن است. کتاب معروف جواهرالکلام اشاره دارد به اینکه « کارکنان مراکز درمانی و بیمارستان ها اگر در معالجه بیمار کوتاهی یا تخلفی انجام دهند، ضامن تخلف خویش هستند و به عنوان ضامن تلف ناشی از معالجه، مسئول می باشند. ماده ۴۸۹ قانون جدید مجازات اسلامی مسئولیت محض یا مسئولیت بدون تقصیر مراکز درمانی و پزشک را نپذیرفته و به مبنای تقصیر اشاره دارد « هرگاه پزشک در معالجه ی خود اگر موجب تلف یا صدمه ی جسمی گردد، ضامن دیه است مگر آن که عمل او مطابق مقرارت پزشکی و موازین فقهی باشد، اگر قبل از معالجه برائت گرفته باشد و مرتکب تقصیری هم نشود و چنانچه برائت از بیمار به دلیل نابالغ یا مجنون بودن او اعتباری نداشته باشد و یا گرفتن برائت از او به دلیل بیهوشی و مانند آن ممکن نباشد برائت از ولی بیمار دریافت می شود.

تبصره ۱- در صورت عدم قصور یا تقصیر پزشک در علم و عمل برای وی ضمان وجود ندارد حتی اگر برائت اخذ نکرده باشد.

کارکنان مراکز درمانی و پزشکان مسئول زیان های وارده به بیمار هستند مگر اینکه عدم تقصیر آنها اثبات شود یا برائت اخذ کرده باشند و یا اینکه عدم تقصیر خود را ثابت کنند و رعایت موازین فقهی را داشته باشند و ثابت کنند که بی احتیاطی صورت نگرفته است.



۵- قلمرو مسئولیت مدنی کادر پزشکی و مراکز درمانی

جنبه های تعهد پزشکی و مراکز درمانی در برابر بیمار به دو شکل امکان دارد.

اول، متعهد هستند که بیمار را معالجه و درمان کنند. دوم، باید سعی کنند که در مراحل معالجه و درمان آسیب و زیان دیگری به وی وارد نشود. در نظام سنتی مسئولیت مدنی پزشک و کادر درمان در هر دو زمینه از نوع تعهد به وسیله و مسئولیت او مبتنی بر تقصیر بود، ولی با افزایش حوادث پزشکی و کادر درمانی در اثر پیشرفت فناوری و روش های درمانی پیچیده موضوع پذیرش نوعی تعهد ایمنی از نوع تعهد به نتیجه (برای حفظ سلامت و ایمنی بیمار نسبت به زیان های ناشی از معالجه) و در نتیجه پذیرش مسئولیت نوعی برای پزشک و کادر درمانی، مطرح و در موارد خاص مسئولیت نوعی این گروه نسبت به زیان هایی که در جریان معالجه به بیمار وارد می شد پذیرفته شد و پزشک در جریان معالجه و انجام عمل پزشکی متعهد است سلامت و ایمنی بیمار را حفظ کند و در صورتیکه که امکان درمان وجود ندارد زیان جدید به وی وارد نشود و اگر در اثر معالجه زیان به بیمار وارد شود پزشک مسئول است حتی اگر مرتکب تقصیر نشده باشد. تغییر نظام مسئولیت مدنی پزشک و کادر درمانی در حقوق ایران با نگاهی به تحولات ایجاد شده در این حوزه ی مسئولیت نوعی پزشک یا همان تعهد ایمنی پزشک به طور خاص پذیرفته شد که در تمام نظام های حقوقی یکسان است. (بخشا، معصومی، یارم طاقلو، ۱۳۹۵: ۸)

۶- مسئولیت غیر حقیقی پزشک

۶-۱- مسئولیت اخلاقی: عبارت است از مسئولیتی که قانونگذار به آن متعرض نیست و تنها ضمانت اجرایی درونی و وجدانی دارد که وجهه مسئولیت در برابر خدا یا وجدان خود اوست و ضمانت اجرای حقوقی ندارد مانند اینکه فردی شاهد غرق شدن شناگری باشد ولی به او کمک نکند که فقط وجدانش شرمسار است و مسئولیت قانونی ندارد. در مسئولیت قانونی، ورود ضرر و انجام فعل شرط تحقق مسئولیت است. مسئولیت حقوقی به مواردی که در قانون احصا شده و ضمانت اجرای قانونی (



مدنی و کیفری) دارد که وجه مشترک آن‌ها نقض قرارداد است می‌توان از دادگاه مطالبه کرد. مهمترین آداب پزشکی راستگویی و برخورد ملاطفت آمیز با بیمار است. پزشک در صورت مصلحت بیمار او را از نوع بیماریش آگاه کند. (لنگرودی، ۱۳۴۶: ۶۴۲) مسئولیت اخلاقی گاهی با مسئولیت کیفری تداخل پیدا می‌کند مانند؛ افشای اسرار پزشکی که در قوانین ایران نیز جرم تلقی شده، مستوجب مجازات است. (ماده ۶۲۸ قانون مجازات)

۲-۶- مسئولیت کیفری: عبارت است از ارتکاب جرمی که در قانون تصریح شده است که مرتکب، باید اراده و قصد مسئولیت داشته باشد. یعنی؛ رابطه بین علت بین عمل ارتكابی و جرم و خسارت وجود داشته باشد تا بتوان عمل را به او منتسب کرد. شخص مسئول (پزشک)، علاوه بر مجازات قانونی الزام به جبران خسارت و زیان وارد کرده نیز می‌باشد. (حسینی نژاد، ۱۳۷۰، ۱۳) هرگاه شخص مسئول جبران خسارتی باشد، می‌گوییم مسئولیت مدنی دارد. ماده ۵۹۲ ق.م.ا.م.صوب ۹۲ به تفکیک ضمان مدنی از مسئولیت کیفری اشاره دارد و در مواردی از قانون به اسقاط مجازات و بقا ضمان مالی (دیه) اشاره می‌کند مانند ماده ۱۵۹ ق.م.ا. یا ماده ۶۹۱ ق.م.ا.م.صوب ۱۳۷۵. هنگامی که عمل ارتكابی پزشک از لحاظ کیفری توأم با سوء نیت باشد و قانون نیز آن را مستوجب مجازات بداند، ماده ۶۲۴ ق.م.ا.م.صوب ۹۲ مجازات سقط جنین از سوی پزشک ۲ تا ۵ سال حبس و پرداخت دیه و مجازات افشای اسرار در ماده ۶۴۸ ق.م.ا.م.صوب ۹۲، حبس از سه ماه و یک سال و یا مجازات نقدی از یک میلیون و پانصد هزار تا شش میلیون ریال جزای نقدی می‌باشد. مجازات‌های نقدی در ایران با بیمه نامه‌های مسئولیت پزشکی تحت پوشش قرار نمی‌گیرد و در صورتی که بیمه گذار ملزوم به پرداخت جزای نقدی گردد بیمه گر تعهدی به جبران خسارت نخواهد داشت به غیر از دیه که به دلیل ماهیت خاص آن تحت پوشش قرارداد بیمه قرار می‌گیرند.

۳-۶- مسئولیت انتظامی پزشک: عبارت است از الزام پزشک به رعایت نظامات طبّی و پرهیز از امور خلاف شأن و حیثیت پزشکی.



ماده ۱۴ آیین نامه انتظامی رسیدگی به تخلفات صنفی و حرفه ای شاغلان حرفه های پزشکی و وابسته می گوید « جذب بیمار، به صورتی که مخالف شوون پزشکی می باشد، همچنین هر نوع تبلیغ گمراه کننده از طریق رسانه های گروهی و نصب آگهی در اماکن و معابر خارج از ضوابط نظام پزشکی ممنوع است. انجام امور خلاف شأن پزشکی و ارتکابات اعمالی که بر اساس ماده ۳ قانون مذکور، موجب هتک حرمت جامعه پزشکی می گردد ممنوع است. بر اساس ماده ۷ همین قانون تحمیل مخارج غیر ضروری به بیماران ممنوع است و ایجاد ترس و هراس در بیمار با وخیم جلوه دادن بیماری وی، موجب مسئولیت انتظامی می گردد. ماده ۳ قانون مذکور مجازات های بی مانند: تذکر یا توبیخ شفاهی، اخطار و محرومیت را در نظر می گیرد. (وطن پور، پرویزی فر، وطن پور، ۱۳۹۲: ۴)

۷- مسئولیت مدنی خارج از قرارداد کادر درمانی غیر پزشک

اگر فردی از تعهداتی که به موجب قانون یا مقررات بر عهده ی او قرار داده سرپیچی کند (فعل زیانبار) و در نتیجه ی این تخلف خسارتی به دیگری وارد شود باید از عهده ی خسارت برآید و آن را جبران کند. نماید. به موجب قواعد عمومی و مقررات خاص، تکالیفی بر عهده ی کادر درمانی قرار داده شده که عدم رعایت آنها، در صورتی که موجب خسارت گردد، ایجاد ضمان خواهد کرد. دو دسته از این تکلیف، اول، وظایفی که کادر درمانی غیر پزشک موظف به اجرای آن ها هستند و ترک آن مرتکب قصور می گردند (فعل) مثلاً؛ پرستاری که در اتاق عمل است موظف به این است که بعد از اتمام عمل جراحی همه ی گازهای استریل مستعمل و غیر مستعمل را جمع آوری کند. و در صورت فراموشی و مرگ بیمار، مرتکب قصور و کوتاهی در انجام وظایف محوله خویش و ترک فعل بوده و قصور انجام داده است.

دوم، هر اقدامی که توسط کادر درمانی انجام شود و منجر به قصور گردد (ترک فعل) مثلاً؛ وقتی که صورت بیمار را در حین عمل جراحی با پارچه بپوشاند و به همین دلیل در هنگام عمل جراحی، پزشک نتواند صورت او را ببیند و صدمه ای به بیمار وارد شود در این وضعیت، پرستار به دلیل کار



انجام داده مرتکب قصور شده است. در صورت ورود خسارت در مرکز درمانی چه شخص یا اشخاصی مسئول جبران هستند؟ در صورتی که نقص یا معیوب بودن امکانات، نصب نادرست تجهیزات و نگهداری نامناسب وسایل موجب ورود ضرر جانی یا خسارت مالی گردد، مؤسسه درمانی و یا پزشک معالج، مسئول جبران خسارت خواهند بود. قاعده اصلی در مسئولیت مدنی این است که هر شخص مسئول جبران ضرر و زیان منتسب به خود است. (بخشا، معصومی، یارم طاقلو، ۱۳۹۵: ۱۱)

۸- انواع مسئولیت پزشکی و کادر درمان در ایران و سایر کشورها

در ماده ۳۳۶ قانون مجازات اسلامی برای احراز تخطی از موازین پزشکی یا به عبارت عامیانه تر قصورات پزشکی چهار مصداق ذکر شد:

۱. بی‌مبالاتی در درمان: نوعی تقصیر شامل ترک فعلی که از نظر علمی و فنی انتظار انجام آن را از پزشک می‌توان داشت مانند؛ عدم تدارک روش‌های لازم (عکس‌های رادیولوژی و آزمایشات) و انجام ندادن مشاوره‌ای لازم و معاینه دقیق قبل از عمل جراحی یا اقدام درمانی، نگرفتن شرح حال، نگرفتن نوار قلب قبل از بیهوشی، همگی بی‌مبالاتی است. (گودرزی، کیانی، ۱۳۹۱: ۲۸)

۲. بی‌احتیاطی یا سهل‌انگاری در درمان: نوعی تقصیر که جنبه وجودی و مثبت دارد یعنی؛ فعلی انجام گرفته است که از نظر علمی و اصول پزشکی نباید انجام می‌گرفت بنابراین، پزشک دقت کافی در درمان یا آزمایشات را مبذول نداشته یا مرتکب اشتباه یا زیاده روی شده که در نتیجه از نظر جسمانی یا روانی بیمار متضرر شده باشد. (گودرزی، کیانی، ۱۳۹۱: ۲۹)

۳. عدم مهارت کافی در درمان: این نوع تقصیر یعنی پزشک تبحر علمی و فنی لازم را در انجام دادن اقدام بخصوصی را نداشته باشد مثل تصمیم نگرفتن به موقع، نداشتن سرعت عمل لازم در عمل جراحی و جلوگیری از عوارض قابل پیش‌بینی. (گودرزی، کیانی، ۱۳۹۱: ۲۹)



۴. عدم رعایت نظامات اداری: بی توجهی به دستورالعمل‌های مقامات اداری مافوق نظام پزشکی و درمان، آیین‌نامه‌ها و بخشنامه‌هایی که حاکم بر اشتغال به حرفه پزشکی و مربوط به حرفه‌های تخصصی پزشکی و رشته‌های وابسته به آن است مانند؛ رعایت نکردن ضوابط مربوط به تابلوهای مطب یا سرنسخه‌های پزشکی یا خودداری از پذیرش بیماران اورژانسی و نظایر آن. (گودرزی، کیانی، ۱۳۹۱: ۲۹)

۹- مسئولیت پزشک در حقوق ایران

بند ۲ ماده ۵۹ قانون مجازات، هر نوع عمل جراحی و اقدام پزشکی باید با رضایت شخص یا اولیا یا نمایندگان قانونی آنها و رعایت موازین فنی و عملی انجام شود که در غیر این صورت عمل مزبور جرم محسوب می‌شود. در حقوق ایران، هرچند پزشک حاذق و متخصص بوده و با اذن مریض یا ولی او به معالجه اقدام کند، ضامن تلف یا نقص عضو است؛ مطابق ماده ۳۱۹ قانون مجازات اسلامی هرگاه پزشک، گرچه حاذق و متخصص باشد، در معالجه‌هایی که شخصاً انجام می‌دهد یا دستور آن را صادر می‌کند هرچند با اذن مریض یا ولی او باشد، باعث تلف جان یا نقص عضو یا خسارت مالی شود ضامن است. رویه قضایی محاکم ایران، خسارت‌های جسمانی مازاد بر دیه را قابل مطالبه نمی‌داند ولی در مورد خسارت مالی غیر مربوط نفس یا عضو مانند خسارت از کار افتادگی مطالبه‌ی دیه بلا اشکال است. اداره حقوقی قوه قضاییه اظهار نظر می‌کند: «در صورتی که حکم به پرداخت دیه صادر شده باشد، دیگر موردی از برای مطالبه‌ی ضرر و زیان بر نفس یا عضو وجود نیست؛ زیرا قانونگذار مقدار آن را در حد دیه تعیین کرده است و مازاد بر آن قابل مطالبه نمی‌باشد. در صورتی که ضرر و زیان مورد مطالبه به نفس یا عضو نباشد راجع به خسارت مالی باشد، مطالبه‌ی آن بدون اشکال است.» ماده ۳۲۲ قانون مجازات اسلامی «هرگاه پزشک قبل از شروع به درمان از مریض یا ولی او یا صاحب حیوان براءت حاصل نماید، عهده دار خسارت ایجاد شده نخواهد بود. بنابراین، ابراء بیمار یا ولی او در واقع اسقاط حقی است که به وجود آمده نیامده است.»



۱-۹- مسئولیت کیفری پزشکان در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲

طبق ماده ۴۹۵ قانون مجازات «هرگاه پزشک در معالجاتی که انجام می دهد موجب تلف یا صدمه بدنی گردد، ضامن دیه است مگر آن که عمل وی مطابق مقررات پزشکی و موازین فنی باشد یا اینکه قبل از معالجه برائت گرفته باشد و مرتکب تقصیری هم نشود و چنانچه اخذ برائت از مریض به دلیل نابالغ یا مجنون بودن او، معتبر نباشد و یا تحصیل برائت از او به دلیل بیهوشی و مانند آن ممکن نگردد، برائت از ولی بیمار تحصیل می شود.»

براساس تبصره ۱- در صورت عدم قصور یا تقصیر پزشک در علم و عمل برای وی ضمان وجود ندارد هرچند برائت اخذ نکرده باشد.

براساس تبصره ۲- ولی بیمار اعم از ولی خاص است مانند پدر و ولی عام که مقام رهبری است. در موارد فقدان یا عدم دسترسی به ولی خاص، رییس قوه قضاییه با استیذان از مقام رهبری تفویض اختیار به دادستان های مربوطه به اعطای برائت به طیب اقدام می نماید.

طبق ماده ۴۹۶، پزشک در معالجاتی که دستور آن را به مریض یا پرستار و مانند آن صادر می نماید، در صورت تلف یا صدمه ی بدنی ضامن است مگر آن که مطابق ماده (۴۹۵) این قانون عمل نماید.

براساس تبصره ۱- در موارد مزبور هرگاه مریض یا پرستار بدانند که دستور پزشک اشتباه است و موجب صدمه و تلف می شود و با وجود این به دستور عمل کند، پزشک ضامن نیست بلکه صدمه و خسارت مستند به خود مریض یا پرستار است.

براساس تبصره ۲- در قطع عضو یا جراحات ایجاد شده در معالجات پزشکی طبق ماده (۴۹۵) این قانون عمل می شود.



طبق ماده ۴۹۷ - در موارد ضروری که تحصیل برائت ممکن نباشد و پزشک برای نجات مریض، طبق مقررات اقدام به معالجه نماید، کسی ضامن تلف یا صدمات وارده نیست.

در ماده ۱۵۸ این قانون - علاوه بر موارد مذکور در مواد قبل، ارتکاب رفتاری که طبق قانون جرم محسوب می شود، در موارد زیر قابل مجازات نیست :

الف - در صورتی که ارتکاب رفتار به حکم یا اجازه قانون باشد.

ب - در صورتی که ارتکاب رفتار برای اجرای قانون اهم لازم باشد.

پ - در صورتی که ارتکاب رفتار به امر قانونی مقام ذی صلاح باشد و امر مذکور خلاف شرع نباشد.

ت - اقدامات اولیای قانونی و والدین و سرپرستان صغار و مجانین که به منظور تأدیب یا حفاظت آن ها انجام می شود، مشروط بر اینکه اقدامات مذکور در حد متعارف و حدود شرعی تأدیب و محافظت باشد.

ث - عملیات ورزشی و حوادث ناشی از آن، مشروط بر اینکه سبب حوادث، نقص مقررات به آن اقدام ورزشی نباشد و این مقررات هم مغایر موازین شرعی نباشد.

ج - هر نوع عمل جراحی یا طبی مشروعی که با رضایت بیمار و اولیا یا سرپرستان یا نمایندگان قانونی وی و رعایت موازین فنی و علمی و نظامات دولتی انجام شود. در موارد فوری اخذ رضایت ضروری نیست. و همینطور انتهای ماده ۲۹۵ قانون مجازات مصوب ۹۲ :

ماده ۲۹۵- هرگاه کسی فعلی که انجام آن را بر عهده گرفته یا وظیفه خاصی را که قانون بر عهده ی او گذاشته است ترک کند و به سبب آن، جنایتی واقع شود، چنانچه توانایی آن فعل را داشته است؛ جنایت حاصل به او مستند می شود و مسبب مورد عمدی، شبه عمدی، یا خطای محض است. مانند این



که مادر یا دایه ای که شیر دادن را بر عهده گرفته است، کودک را شیر ندهد یا پزشک یا پرستار وظیفه ی قانونی را ترک کند.

۲-۹- قابلیت جبران خسارت معنوی تعریف و ملاحظات آن

منظور از خسارات معنوی، خسارتی است که نه به اموال و نه به تمامیت جسمانی و سلامتی افراد بلکه به حقوق و آزادی های شخص و یا دارایی معنوی همچون حیثیت و آبرو و اعتبار اشخاص وارد می شود. مشخصه ی این خسارات در مقایسه با خسارات مالی آن است که از مقوله کم نبوده و قابل اندازه گیری و جایگزینی با پول نیستند. دارایی معنوی انسان همچون دارایی مالی او می تواند مورد تعدی قرار گیرد و لطمه بیند. صدمات و ضررهای معنوی ممکن است به مراتب از ضررهای مالی سنگین تر و طاقت فرساتر باشد. صدمه به آبرو، حیثیت و احساسات انسانی خسارتی است که با هیچ ضرر مادی دیگر قابل مقایسه نیست، طوری که بسیاری برای حفظ آبرو و حیثیت و اعتبار خود، جان و مالشان را به راحتی فدا می کنند. دفاع از آزادی و استقلال موجب انقلابات سیاسی - اجتماعی شده و افراد برای دفاع و رفع تجاوز به این ارزش های والا، جان و دارایی مالی خود را با افتخار فدا می کنند. بدین نحو شکی نیست که صدمه به دارایی های معنوی ضرر محسوب می شود، ضررهایی که به علت تعلق به امور معنوی انسانی از ضررهای مادی به مراتب سنگین ترند و با معیارهای مادی قابل اندازه گیری نیستند. شریعت های الهی و ایدئولوژی های انسانی برای تعالی این ارزش ها و حرمت نهادن به آن ها ایجاد شده اند. شرع مقدس اسلام نیز توجه فوق العاده ای به این ارزش ها نموده و لطمه به آنها را در قالب احکام مختلفی حرام شمرده است. غیبت، توهین، فریب، هتک آزادی و..... برای حرمت نهادن به همین ارزش های معنوی، حرام شمرده شده و مجازات های دنیوی و اخروی سنگین برای آن ها بیان شده است. (بابایی، ۱۴۰۲: ۱۳۲ و ۱۳۳)



۱۰- خسارات معنوی و قوانین ناظر بر جبران مصادیق آن

خسارات معنوی شامل موارد وسیعی از صدمات به حقوق و دارایی معنوی افراد می‌شود، ولی همه‌ی این خسارات قابل جبران نیستند. مطابق ماده‌ی ۱ قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹ «هرکس بدون مجوز قانونی عمداً یا در نتیجه‌ی بی احتیاطی به جان یا سلامتی یا مال یا آزادی یا حیثیت یا شهرت تجارتي یا به هر حق دیگر که به موجب قانون برای افراد ایجاد گردیده صدمه‌ای وارد نماید که موجب ضرر مادی یا معنوی فرد دیگری شود؛ مسئول جبران و رفع خسارت ناشی از عمل خود می‌باشد.» در این ماده قانونی به چند مقوله‌ی خسارت معنوی اشاره شد:

لطمه به آزادی، حیثیت، شهرت تجاری یا حق دیگری که در قانون برای افراد ایجاد شده است. منظور از حیثیت همان اعتبار شخصی یا تجاری است. لطمه به حقوقی که در قانون برای همه به رسمیت شناخته شده است. طیف وسیعی از حقوق است که از طرفی شامل حقوق و آزادی‌های شخصی همچون آزادی بیان، شغل، فعالیت سیاسی و اجتماعی، اجتماعات می‌شود و از سوی دیگر می‌تواند به حقوقی که ناظر بر دارایی معنوی افراد هستند، مثل حق نسبت به پنهان ماندن مسئله شخصی و خانوادگی، حق نسبت به عکس و صوت شخصی، حق اولویت نام خانوادگی اشاره کرد. در مواد ۸ و ۹ قانون مسئولیت مدنی با تفصیل بیشتری لطمه به حیثیت و آبروی افراد تبیین شده و بر مسئولیت مدنی برای خسارات معنوی وارده تأکید شده است. براساس ماده ۱۰ این قانون، «کسی که به حیثیت و اعتبارات شخصی یا خانوادگی او لطمه وارد شود می‌تواند از کسی که لطمه وارد آورده است، جبران زیان مادی و معنوی خود را بخواهد. هرگاه اهمیت زیان و نوع تقصیر ایجاب نماید، دادگاه می‌تواند در صورت اثبات تقصیر، علاوه بر صدور حکم به پرداخت خسارت، حکم به رفع زیان از طریق دیگر از قبیل الزام به عذرخواهی و درج حکم در جراید و امثال آن نماید.» در این ماده، حکم به پرداخت مالی در قبال خسارت معنوی وارد شده را مشروط به اهمیت زیان و نوع تقصیر نموده است.



طبق ماده ی ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ امکان جبران خسارت معنوی از طریق حکم به پرداخت مال به درستی پیش بینی شد. در ماده ی ۱۴، شاکی می تواند جبران تمام ضرر و زیان های مادی و معنوی ناشی از جرم را مطالبه کند.

تبصره ۱- زیان معنوی عبارت از صدمات روحی یا هتک حیثیت و اعتبار شخصی، خانوادگی یا اجتماعی است. دادگاه می تواند علاوه بر صدور حکم به جبران خسارت مالی، به رفع زیان از طریق دیگر از قبیل الزام به عذرخواهی و درج حکم در جراید و امثال آن حکم نماید.

زیان زننده از طریق الزام در قابلیت جبران ایراد خسارت معنوی به پرداخت مال در خسارت ناشی از عمل مجرمانه تردیدی به وجود نمی آید. با تصویب این قانون، صدمات روحی در کنار دیگر مقولات خسارت معنوی در زمره خساراتی که می تواند ضمان جبران خسارت مادی را در پی داشته به رسمیت بشناسد. (بابایی، ۱۴۰۲: ۱۳۷)

۱۱- دیه به عنوان نقطه تلاقی مسئولیت مدنی و کیفری در حقوق ایران

دیه از یک طرف به عنوان جبران خسارت و از طرف دیگر به عنوان مجازات تلقی شود. در ماده ۱۴ قانون مجازات اسلامی سال ۹۲ به صراحت در بیان انواع مجازات ها از دیه نام برده شده است. از طرفی دیه به زیان دیده پرداخت می گردد که این امر بر خلاف جزای نقدی است که به خزانه ی دولت واریز می شود. همچنین پرداخت توسط عاقله در مورد دیه خلاف اصل شخصی بودن مجازات هاست. نکته دیگر اینکه دیه با فوت متهم و محکوم علیه ساقط نمی گردد و وفق مواد ۴۳۵ و ۴۷۴ و ۴۷۵ قانون مجازات اسلامی، اگر به علت مرگ یا فرار، دسترسی به مرتکب امکان پذیر نباشد، دیه در جنایات عمدی و شبه عمدی و خطای محض از اموال مرتکب پرداخت می گردد و می دانیم که اگر دیه به عنوان مجازات صرف باشد با فوت متهم و محکوم علیه ساقط می گردد؛ در حالیکه باید به حکم تبصره ۱ ماده ۸۵ قانون آیین دادرسی کیفری عمل نمود و در مورد جرائمی که مستلزم پرداخت



دیه توسط مرتکب باشد، پس از صدور قرار موقوفی تعقیب توسط بازپرس به دادگاه ارسال گردد. (عنایت تبار، ۱۴۰۲: ۲۵)

۱۲- تعریف خسارت معنوی در قوانین

ضرر ممکن است ناشی از لطمه یا تجاوز به حقوق مالی یا غیر مالی اشخاص باشد « حق غیر مالی امتیازی است که هدف آن رفع نیازهای اخلاقی و عاطفی انسان است. » لطمه به حقوق غیر مالی شخص، سبب ظهور خسارت معنوی خواهد بود. در قوانین ما چندان به این خسارت توجهی نشد همواره در قابلیت جبران، مصادیق و شیوه جبران این خسارت اختلافی بوده است. همین امر سبب شده خسارات معنوی در رویه قضایی بازتاب خوبی نداشته باشد. (محمدی، مرادپورشاد، مبین، ۱۳۹۷: ۱۸) ماده ۹ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۰ خسارت معنوی را این چنین معرفی کرد: « ضرر و زیان معنوی که عبارت است از کسر حیثیت یا اعتبار اشخاص یا صدمه های روحی » تبصره ۱ ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری « زیان معنوی عبارت است از صدمات روحی یا هتک حیثیت و اعتبار شخصی خانوادگی یا اجتماعی افراد »

ماده ۸ قانون مسئولیت مدنی « کسی که در اثر تصدیقات یا انتشارات مخالف واقع به حیثیت یا اعتبارات یا موقعیت دیگری زیان وارد آورد مسئول جبران خسارت است. »

ماده ۱۰ قانون مسئولیت مدنی « کسی که به آبرو و اعتبار شخصی یا خانوادگی او آسیب وارد شود می تواند جبران زیان مادی یا معنوی خود را بخواهد. »

۱۲-۱- ماهیت جبران خسارت معنوی از جبران تا بازدارندگی

جبران مالی خسارت معنوی در سایر کشورها هم پذیرفته شد و ناممکن بودن تقویم خسارت وارده مانع از پرداخت پول به منظور جبران آن خسارت است، اما به هیچ وجه مانع از پرداخت پول به منظور بازدارندگی و مقابله با آن نیست. اگر هدف از پرداخت پول به زیان دیده، جبران زیان معنوی وارده به



او و جایگزین کردن آن باشد، می توان گفت به دلیل ناممکن بودن تقویم خسارت وارده پرداخت پول منتفی است اگر هدف، بازدارندگی و مقابله با بزه ضرر زدن به دیگران باشد، لازم نیست پرداخت پول به اندازه ی زیان وارده باشد تا ناممکن بودن تقویم مشکل ساز شود. معنای مسئولیت مدنی نیز همین است که برای حفظ نظم عمومی، افراد در نتیجه ی ضرر به دیگران به پرداخت پول ملزم شوند؛ زیرا پرداخت پول جنبه ی بازدارندگی بسیار قوی دارد و در موارد زیادی از دیگر روش های مقابله تأثیر گذارتر است. به همین دلیل، پرداخت پول به عنوان ابزار بازدارندگی و نه جایگزین خسارت پذیرفته شد. (حدادی، ۱۴۰۲: ۲۱)

۲-۱۲- مسئولیت مدنی و رابطه ی آن با خسارت معنوی

هدف اصلی حفظ نظم عمومی، جلوگیری از تجاوز افراد به حقوق یکدیگر و حراست از ارزش هایی است که نظام حقوقی به دنبال صیانت از آن هاست از قبیل جان، مال، ناموس، ارزش های معنوی. جبران یکی از شیوه های رسیدن به این اهداف است که نسبت به دیگر روش ها مزیت بیشتری دارد؛ زیرا هم موجب پوشش خللی می شود که به زیان دیده وارد شده است و هم موجب تنبّه و بازدارندگی از تجاوز فرد ضرر زننده به دیگران است. در موضوع خسارت معنوی جبران لزومی ندارد؛ چرا که اساساً جنس لطمات معنوی به گونه ای نیست که قابل جبران مالی باشد و این تقریباً مورد اتفاق است در این موارد هم جبران مالی به عنوان مسئولیت مدنی در نظر گرفته شده است؛ زیرا جبران مالی علاوه بر جنبه ی کیفری و بازدارندگی موجب ایجاد انگیزه برای زیان دیدگان نسبت به طرح دعوا و هم چنین التیام آنان می شود. به دلیل همین انگیزه ی جدی زیان دیدگان برای طرح دعوا، بازدارندگی آن هم از دیگر ابزار بیشتر است. (حدادی، ۱۴۰۲: ۲۸) جالب است که در نظام های حقوقی مبنای اصلی مسئولیت تقصیر نیست بلکه سببیت است. ماده ی ۴۹۵ قانون مجازات اسلامی «هرگاه پزشک در معالجاتی که انجام می دهد موجب تلف یا صدمه ی بدنی گردد، ضامن دیه است مگر آن که عمل او مطابق مقررات پزشکی و موازین فنی باشد یا اینکه قبل از معالجه، براءت گرفته باشد و مرتکب تقصیری هم نشود و چنانچه اخذ براءت از بیمار به دلیل نابالغ یا مجنون بودن او اعتبار نداشته باشد و یا



تحصیل براءت از او به دلیل بیهوشی و مانند آن امکان پذیر نباشد، براءت از ولی مریض تحصیل می شود.

تبصره ۱- در صورت عدم قصور یا تقصیر پزشک در علم یا عمل برای وی ضمان وجود ندارد هر چند براءت دریافت نکرده باشد.» با آن که مبنای ایراد خسارت معنوی حتماً تقصیر است و آن هم نه تقصیر صرفاً اخلاقی، خسارت معنوی متوجه تصادف نیست بلکه فرد باید کار بدی انجام داده باشد و این نشان دهنده نگاه جدی بازدارندگی به جبران این نوع خسارت است.

نتیجه گیری

اهداف مسئولیت، جبران کامل خسارت زیان دیده است و تا جایی که امکان دارد باید تلاش کرد تا زیان دیده به شرایط پیش از زیان باز گردد و یا اینکه هدف اصلی قرار دادن زیان دیده در وضعیتی که گویی فعل زیانبار صورت نگرفته است. قانون آیین دادرسی کیفری با تصویب ماده ۱۴، جبران خسارت معنوی را مورد حکم قرار داد ولی متأسفانه با وضع تبصره ۲ این ماده اقدام قابل تمجید خود را با استثنائات غیر قابل توجیهی زیر سوال برد و اصل جبران کامل خسارت را کم ارزش کرد. ماده ۱۴ قانون مذکور، این حق را به زیان دیده داد تا کلیه خسارات معنوی و مادی منافع ممکن الحصول ناشی از جرم را از عامل ضرر و زیان مطالبه کند. با توجه به تبصره ۱ و صدر تبصره ۲ از این ماده جبران مالی خسارت معنوی و مطالبه زیان به عنوان یک قاعده کلی در نظام حقوقی پذیرفته شده است که به ضرر و زیان ناشی از جرم اختصاص ندارد ولی قسمت اخیر تبصره ۲ ماده مذکور، در باب تعزیرات منصوص شرعی و دیات، قلمرو اصل جبران خسارات را کاهش داد. می توان ادعا کرد وصف کیفری عمل زیانبار، قلمرو مسئولیت مدنی ناشی از آن را کاهش می دهد. مسئولیت پزشکان و کادر درمانی در قبال بیمارانی می تواند حقوقی یا اخلاقی باشد که مسئولیت حقوقی خود جنبه مدنی و کیفری پیدا می کند. مسئولیت پزشکان و کادر درمانی در قبال بیمارانی می تواند اخلاقی یا حقوقی باشد که مسئولیت حقوقی خود جنبه مدنی و کیفری را در نظر داشته باشد. در قانون مجازات اسلامی، مسئولیت مدنی



پزشک مبتنی بر تقصیر نیست بلکه مسئولیت محض و بدون تقصیر را باید پذیرفت یعنی؛ پزشک ضامن هرگونه خسارتی است که به بیمار وارد می شود که مستند به انجام فعل مستقیم یا غیر مستقیم پزشک باشد. هرگاه پزشک از شرط براءت از ضمان برخوردار باشد، این شرط بی احتیاطی و بی مبالائی او نیست یعنی؛ در صورت ارتکاب تقصیر، پزشک نتواند به شرط عدم مسئولیت استناد کند و بیمار بتواند با اثبات تقصیر، جبران خسارت وارده را مطالبه کند. در قانون جدید مجازات اسلامی، کادر درمانی را بر اساس دو مبنای متفاوت ضامن می داند که انتخاب یکی از دو مبنا با زیان دیده است. اول، زیان دیده مبنای غیر قراردادی را در نظر بگیرد و بتواند مستقیماً علیه کادر درمانی شکایت کند و با اثبات ارکان مسئولیت مدنی (فعل زیانبار، ورود ضرر و رابطه سببیت بین این دو) خسارت یا دیه خود را از آنها درخواست نماید.

دوم، در صورتی که زیان دیده قرارداد را مبنای اقامه دعوا قرار دهد، نمی تواند مستقیماً علیه کادر درمانی اقامه دعوا کند چون که قراردادی بین بیمار و کادر درمانی وجود ندارد بلکه این مرکز درمانی است که با بیمار قرارداد منعقد کرده که در صورت نقض قرارداد، مسئول است. در این حالت نیز مرکز درمانی پس از خسارت می تواند با اثبات تقصیر قراردادی کادر درمانی علیه وی اقامه دعوی خسارت کند. اگر قانون، جبران مالی را بپذیرد با خلاء قانونی در خصوص چگونگی جبران و محاسبه مواجه خواهیم بود. در قانون آیین دادرسی کیفری و هم چنین در سایر قوانین چنین ضابطه ای وجود ندارد.



منابع و مأخذ

- ۱- بابایی، ایرج، (۱۴۰۲)، حقوق مسئولیت مدنی مبتنی بر نقد و بررسی آراء ج ۱، تهران، مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضائیه.
- ۲- بسام، محتسب بالله، (۱۴۰۴)، المسئولیه و الجرائیه، بین النظریه و النطبق، بیروت، دارالایمان.
- ۳- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، (۱۳۴۶) ترمینولوژی حقوق، چاپ ۱، تهران، گنج دانش.
- ۴- حدادی، فاضل، (۱۴۰۲)، جبران خسارت معنوی، بررسی فقهی و حقوقی با تأکید بر ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری، چاپ سوم، تهران، مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضائیه.
- ۵- دهخدا، علی اکبر، (۱۳۷۳)، لغت نامه دهخدا، ج ۱۲، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه.
- ۶- عنایت تبار، رشید، (۱۴۰۲)، مؤلفه های رابطه سببیت و عوامل خارجی رافع سببیت در حقوق ایران و انگلستان، چاپ دوم، گرگان، انتشارات نوروزی.
- ۷- کاتوزیان، ناصر، (۱۳۷۴)، حقوق مدنی، ضمان قهری و مسئولیت مدنی، تهران، چاپ اول، دانشگاه تهران
- ۸- _____، (۱۴۰۱)، الزام های خارج از قرارداد، مسئولیت مدنی ج ۱، تهران، گنج دانش.
- ۹- گودرزی، فرامرز، کیانی، مهرزاد، (۱۳۹۱)، پزشکی قانونی، چاپ نهم، تهران، سمت.
- ۱۰- م آل شیخ مبارک، محمد بن قیس، (۱۳۷۷)، حقوق و مسئولیت پزشکی در آیین اسلام، ترجمه محمد عباسی، نشر حقوقی، چاپ ۱.



۱۱- بخشا، ماندانا؛ معصومی، جمشید؛ یارم طاقلو سهرابی، مریم، (۱۳۹۵)، «مسئولیت مدنی و کیفری ناشی از تخلفات کارکنان بیمارستان ها و مراکز درمانی در حوزه درمان»، چهارمین کنفرانس بین المللی پژوهش های علمی و تکنولوژی.

۱۲- پرویزی فرد، آیت ال وطن پور، فاطمه، وطن پور، لعیاء، وطن پور، (۱۳۹۶)، «مسئولیت مدنی پزشکان با رویکرد قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲»، تهران، اولین همایش بین المللی و سومین همایش پژوهش های مدیریت و علوم انسانی.

۱۳- محمدی، مرادپورشاد، مبین، (۱۳۹۷)، «تأثیر قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ بر امکان مطالبه خسارت معنوی و عدم نفع در نظام حقوقی ایرا»، فصلنامه پژوهش حقوق خصوصی، اهواز، دانشگاه شهید چمران،